

ذره بین

سقوط مرگبار مدیر آزادسازی و املاک شهرداری اصفهان از جهان نما



[شهرود] مدیر آزادسازی و املاک شهرداری اصفهان از ارتفاع پنج متری برج جهان نما سقوط کرد و جان باخت.

فرهاد کاوه آهنگران سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان در این باره گفت: «این حادثه ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه روز چهارشنبه، بیست و هشتم آبان، به ستاد فرماندهی آتش نشانی اصفهان گزارش شد. بلافاصله بعد از اطلاع از وقوع این حادثه نیروهای آتش نشانی از ایستگاه‌های ۱۴ و ۱۱ و یک اعزام شدند.»

کاوه آهنگران با بیان اینکه این حادثه به دنبال سهل انگاری بازدید از مجتمع تجاری اتفاق افتاده است، افزود: «پس از بررسی اولیه مشخص شد که فرد حادثه دیده مرتضی افروزی، مدیر آزادسازی و املاک شهرداری اصفهان است که در این حادثه از ناحیه سر، گردن و کمر به شدت دچار آسیب شده بود.»

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان گفت: «مصدوم این حادثه در شرایط وخیمی بود که به عوامل اورژانس تحویل داده شد و جان باخت. نیروی انتظامی موقعیت وقوع این حادثه را بررسی می‌کند.»

باند مخوف آدم ربایی در زاهدان منهدم شد

چهار نفر از اعضای یک باند حرفه‌ای و مسلح آدم ربایی در زاهدان دستگیر شدند. آنها سال گذشته جوانی را ربوده و پس از گرفتن پول متواری شده بودند.

سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان، درباره جزئیات این پرونده گفت: «مرداد سال گذشته چند فرد مسلح جوانی بیست و هشت ساله را به نیت اخاذی در یکی از محلات زاهدان ربوده و در قبال آزادسازی او مبلغ هنگفتی را از خانواده‌اش اخاذی می‌کنند. بلافاصله پس از اطلاع پلیس از این موضوع شناسایی و دستگیری متهمان در دستور کار گروهی مجرب از کارآگاهان پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان قرار گرفت. تحقیقات تخصصی پلیس در این مورد آغاز شد. با تلاش شبانه‌روزی پلیس هویت دو تن از عاملان اصلی آدم ربایی شناسایی و مشخص شد که متهمان پس از دریافت پول از استان فرار کرده‌اند. تلاش پلیس برای دستگیری آدم ربایان ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل اخباری مبنی بر تردد مجدد آنها در سطح سیستان و بلوچستان به دست آمد. در نهایت با تلاش شبانه‌روزی کارآگاهان پلیس آگاهی مخفیگاه متهمان را در یکی از روستاهای زاهدان شناسایی و صبح روز سه‌شنبه گروه عملیات ویژه پلیس آگاهی در عملیاتی ضربتی و غافلگیرانه هر چهار نفر اعضای این باند مسلح آدم ربایی را داخل مخفیگاه‌شان دستگیر کردند. گروه رسدگی کننده به پرونده در بازرسی از مخفیگاه متهمان ضمن توقیف یک موتورسیکلت تریل مسروقه، سه قبضه اسلحه کلاش، ۱۰ تیغه خنجر و ۳۰ فشنگ جنگی را به همراه ۲ عدد جلیقه ضد گلوله کشف کردند. در بررسی سوابق اعضای این باند مسلح مشخص شد آنها به دلیل دوبار آدم ربایی در استان کرمان تحت تعقیب مراجع قضائی استان مذکور نیز هستند.» او با اشاره به معرفی متهمان به مراجع قضائی با تأکید بر عزم جدی پلیس در برخورد با قانون شکنان و مجرمان تأکید کرد: «نیروی انتظامی به عنوان حافظ جان، مال و ناموس مردم به هیچ وجه اجازه جولان و گردنکشی را به افرادی که قصد برهم زدن امنیت عمومی را دارند نخواهد داد و با این افراد به شکلی قاطع برخورد خواهد شد.»

ریشش آوار بر سر ۳ کارگر در خیابان جشنواره



[شهرود] سه کارگر بر اثر ریزش آوار در محل گودبرداری به شدت مصدوم شدند. سید جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی تهران، با اعلام خیر تخریب محل دیواره گودبرداری شده در خیابان جشنواره، درباره جزئیات این خبر گفت: «ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه بیست و هفتم آبان حادثه تخریب دیواره محل گودبرداری شده در خیابان جشنواره، میدان رهبر، خیابان رجایی به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که به سرعت آتش نشانیان دواپستگاه آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند. محل حادثه قطعه زمینی به وسعت حدود ۲۵۰ متر مربع بود که به عمق تقریبی چهار متر در آن گودبرداری صورت گرفته بود. کارگران مشغول کار روی دیواره‌های ضلع شمالی بودند که به یک باره بخشی از دیوار تخریب شده بود. سه کارگر به دلیل ریزش خاک، سنگ و نخاله‌های حاصل از تخریب دیوار دچار مصدومیت شده اما خوشبختانه فردی کامل زیر آوار محبوس نمانده بود. بقیه کارگران، مصدومان را پیش از رسیدن آتش نشانیان به گوشه‌های منتقل کرده بودند اما کارگران مصدوم به دلیل فرار گرفتن در انتهای محل گودبرداری شده، قادر به خارج شدن نبودند. آتش نشانیان همزمان با ایمن سازی محل حادثه، این افراد را روی برانکار مخصوص فیکس کرده و آنها را پس از انتقال از محل گودبرداری به سطح زمین، تحویل عوامل اورژانس دادند.» سخنگوی سازمان آتش نشانی ادامه داد: «محل تحویل مسئولان و عوامل مربوطه شد و عملیات در ساعت ۲۳ و ۲۴ دقیقه به پایان رسید.»

پسر مبتلا به سندرم داون پس از مرگش اعضای بدنش را به چهار بیمار نیازمند اهدا کرد

وقتی فرهاد جان بخشید



مسمومیت دارویی پای فرهاد را به بیمارستان باز کرد. پسر بیست و یک ساله‌ای که دچار بیماری سندرم داون بود. مصرف یک قرص اشتباهی او را راهی بیمارستان کرده بود ولی هرگز کسی تصورش را هم نمی‌کرد که فرهاد تاب نیاورد. بی‌حال بود اما جان داشت. با این حال بدن رنجور او تحمل نکرد و نفس‌های فرهاد قطع شد.

جان از بدنش رفت؛ اما جان فرهاد در بدن‌های دیگر جا خوش کرد. بدن‌های بیماری که نیازمند به کمک بودند تا بتوانند به حیات ادامه دهند. فرهاد منجی این بیماران شد. خودش تاب نیاورد ولی به زنده ماندن چند نفر کمک کرد. پسر مبتلا به سندرم داون زندگی بخش بیماران شد. جوانی که برای خانواده‌اش بسیار عزیز بود. پزشکان تمام تلاش خود را کردند تا او دوباره سلامتی‌اش را به دست آورد اما او دچار مرگ مغزی شد. با اعلام این خبر فرهاد به چهار بیمار نیازمند اعضای پیوندی جان دوباره بخشید.

بیهوشی مریوز

اواسط آبان امسال بود که فرهاد پاینده وقتی در خانه برادرش میهمان بود، به طرز نامعلومی ناگهان بیهوش شد. او روی زمین افتاد. بلافاصله فرهاد جوان به بیمارستان ارونند صفا داشت کرج منتقل شد. پزشکان در همان دقائق او را تحت معاینه قرار دارند اما متوجه شدند شدت آسیب وارده به مغز پسر جوان زیاد است. همین باعث شد که فرهاد را برای ادامه روند درمان به بیمارستان شریعتی کرج منتقل کنند.

مرگ مغزی

فرهاد پس از انتقال به بیمارستان شریعتی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شد تا تحت درمان قرار بگیرد. سه روز همه چشم‌انتظار بودند تا او دوباره سلامتی‌اش را به دست آورد. اما همه امید خانواده فرهاد با گذشت این چند روز از بین رفت. پزشکان اعلام کردند او دچار مرگ مغزی شده و هیچ امیدی به بازگشت او به زندگی وجود ندارد.

شوک خانواده پاینده

فرهاد آخرین فرزند خانواده پاینده و عزیزترین آنها بود. هیچ کس تصورش را هم نمی‌کرد که این پسر جوان به این زودی از میان آنها برود. او زندگی کوتاهی داشت. با این حال خانواده اش مرگ او را باور نمی‌کردند. بهارگل خواهر فرهاد است. هنوز هم وقتی حرف از فرهاد می‌شود، بغض می‌کند. خواهر و برادرانش علاقه خاصی به یک کوچک‌ترین عضو خانواده داشتند. «برادرم خیلی مهربان بود. حتی آزارش به یک مورچه هم نمی‌رسید. نمی‌توانستیم باور کنیم که این اتفاق برای فرهاد رخ داده است. خانواده داغ بزرگی بر دل‌شان مانده است. فرهاد مبتلا به سندرم داون بود. با این حال پسر خوش‌زبان و مهربانی بود. اخلاق‌های خاصش باعث شده بود که همه خانواده علاقه شدیدی به او داشته باشند. ما سه خواهر و چهار برادر بودیم. فرهاد با مادرم در شهرستان زندگی می‌کرد. ما خواهر و برادرها او را هرزگاهی به خانه‌هایمان می‌آوردیم و چند روز میهمان‌مان بود.»

مصرف داروی اشتباهی

خواهر فرهاد درباره علت این ماجرا نیز به «شهرود» می‌گوید: «نمی‌دانیم چطور شد که فرهاد قرصش را اشتباهی مصرف کرد؛ یعنی دارویی که همیشه می‌خورد را اشتباهی زیاد خورد. اصلاً نمی‌دانیم این دارو از کجا به دستش رسیده بود. از همان روز اول که او را به بیمارستان شریعتی منتقل کردیم، پزشکان اعلام کردند وضعیتش خوب نیست. آنها گفتند برادرم با دستگاه در حال نفس کشیدن است. پزشکان گفتند فقط باید برای او دعا کنیم تا شاید خدا او را دوباره به زندگی بازگرداند.»

سه روز بعد و سفر فرهاد

پذیرفتن این ماجرا برای برادر و خواهرهای فرهاد کار سختی بود. با این حال آنها این موضوع را درک کردند ولی باید ماجرا را یک جوری برای مادر فرهاد تعریف می‌کردند. مادری که تنها دلخوشی‌اش در شهرستان فرهاد بود: «مادرم فرهاد را به خاطر بیماری‌اش خیلی دوست داشت. به همین علت نمی‌دانستیم این ماجرا را چطور با او در میان بگذاریم. به هر حال به بهانه اینکه فرهاد دچار مسمومیت شده و او را به بیمارستان بردیم، به او گفتیم بهتر است برای اینکه مراقبتش باشی به کرج بازگردی. فرهاد در آی‌سی‌یو و ملاقات ممنوع بود. اجازه ملاقات نداشتیم اما با هماهنگی پزشک مادرم برای چند دقیقه پسرش را از پشت شیشه دید. همان جا متوجه وخامت حال او شد. برای همین کم‌کم در مورد شرایط فرهاد و اینکه بازگشت او به زندگی فقط با یک معجزه ممکن است، صحبت کردم. اما مادرم باور نداشت و اصرار داشت که برادرم را به تهران منتقل کنیم.»

راضی کردن مادر تنها

بهارگل به همراه خواهر و برادرش هایش با مادرشان صحبت کردند. آنها سعی می‌کردند این مادر تنها را راضی به اهدای اعضای بدن پسرش کنند: «شرایط خیلی بدی پیش رویمان بود؛ با چشم خود دیدیم که مادرم مثل شمع در حال آب شدن است. ۱۵ سال پیش که پدرمان را از دست دادیم مادرم برای فرهاد هم پدر بود و هم مادر. از آن طرف فرهاد آن قدر مهربان بود که نمی‌توانستیم یک روز را بدون او تحمل کنیم. اما حالا همه چیز تمام شده بود. با آرزو هم که نزد پزشک رفتیم او آب پاکی را روی دست‌مان ریخت و گفت اگر دستگاه را از فرهاد باز کنند، او حتی برای یک ثانیه هم نمی‌تواند زنده بماند. پس بهتر است تا وقت هست اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنیم.»

رضایت برای اهدا

وقتی پزشک بیمارستان به خانواده پاینده پیشنهاد داد که اعضای بدن فرهاد را به چند بیمار نیازمند اهدا کنند، خانواده او بر سر دوراهی قرار گرفتند. خواهر فرهاد می‌گوید: «یک حسی در وجودمان می‌گفت حتی خود فرهاد هم راضی است که اعضای بدنش را اهدا کنیم. امانتی دانستیم این موضوع را چطور به مادرم بگوییم. به هر حال وقتی برادر و خواهرها با هم به این نتیجه رسیدیم که اعضای بدن فرهاد را اهدا کنیم مأموریت پیدا کردم تا این ماجرا را به مادرم بگویم. می‌خواستم رضایت او را هم کسب کنم. کار سختی بود. با همراهی همسرم، مادرم را به حیاط بیمارستان بردیم. ابتدا کلی مقدمه چینی کردیم تا اینکه سرانجام گفتیم دیگر به بازگشت فرهاد امید نیست. اگر اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنیم آنها فرصت تازه‌ای برای ادامه زندگی پیدا می‌کنند.»

وداع با آخرین یادگار

او ادامه داد: «وقتی این حرف را به مادرم زدم اشک از چشمانش سرریز شد. نفس عمیقی کشید و با صدایی لرزان گفت «خدا یک روز فرهاد را به ما داد و حالا او را از ما گرفت. فرهاد یک امانت بود در دستمان، آخرین یادگار از پدرتان. حالا اگر صلاح بر این است من موافقم. آن چند بیماری که می‌گویید حتماً فرزند یک خانواده هستند و پدر و مادرهایشان چشم‌انتظار آنها هم مثل فرزند من هستند و من مخالفتی ندارم.»

اهدای اعضای بدن فرهاد به چهار بیمار نیازمند

با اعلام رضایت خانواده پاینده، فرهاد از بیمارستان شریعتی به بیمارستان سینای تهران منتقل شد تا عمل پیوند اعضای بدن او به بیماران نیازمند آغاز شود. دکتر ساناز دهقانی، رئیس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینای تهران، در این باره گفت: «با تلاش تیمی از پزشکان متخصص، کبد، پانکراس و کلیه‌های بیمار مرگ مغزی به چند بیمار نیازمند اهدا شد.»

کلاهبرداری سریالی با سیمکارت گمشده



موضوع نشده بود. در حالی که کلاهبرداران از سیمکارت او برای اقدامات فریبکارانه خود استفاده می‌کردند. پسر جوان در ادامه پیگیری‌ها اطلاع پیدا کرد که یک باند کلاهبرداری با استفاده از سیمکارت او در فضای مجازی به خرید و فروش و تراکنش‌های بانکی اقدام کرده و در برابر اتهام کلاهبرداری قرار گرفته است.

سرگرد سلطانی با اشاره به اینکه تحقیقات پلیسی برای شناسایی اعضای این باند که با سیمکارت این پسر جوان از شهروندان کلاهبرداری کرده، در دستور کار قرار دارد، گفت: «شهروندان پیگیر استناد و مدارک و سیمکارت خود باشند و آنها را در گاو صندوق نگهداری کنند. آنها از طریق اپراتورهای مختلف پیگیری باشند که چند سیمکارت به نام‌شان است تا افراد سودجو از سیمکارت‌های شهروندان استفاده نکنند.»

[شهرود] اعضای یک باند از سیمکارت گمشده جوانی سوءاستفاده کرده و دست به کلاهبرداری سریالی زدند. سرگرد وحید سلطانی، معاون اجتماعی پلیس پیشگیری تهران، درباره جزئیات این پرونده گفت: «مدتی قبل جوان سی ساله‌ای برای انجام امورات اداری به یکی از شعبات بانک در تهران مراجعه کرد. او متوجه مسدود بودن حساب بانکی‌اش شد. پسر جوان با پیگیری و مراجعه به مرجع قضائی متوجه شد که حساب بانکی‌اش با دستور قضائی با شکایت ۸ شاکی در خصوص پرونده کلاهبرداری مسدود شده است.»

سرگرد سلطانی ادامه داد: «در بررسی‌های پلیسی مشخص شد که پسر جوان سه سیمکارت دارد. او یکی از آنها را ۶ ماه قبل در اسباب‌کشی خانه‌اش گم کرده بود. با توجه به اینکه با سیمکارت گمشده کاری نداشته، متوجه